

چومرد گریه کند

چومرد گریه کند نعره میکشد توفان
چو مرد گریه کند خنده میکند شیطان.
چو اشک مود بریزد ستاره میوزد
چو مشعل دل من.

ز شوق بر سر ویرانه ها بخواند جغد
ز عیش در دل ظلمت بر قصد امریمن
چومرد گریه کند در برابر دشمن.

ز قبرها بدر آیند مرده های قرون
کنند زاری و شجون ز چاک های کفن
چو اشک مود بریزد بروزگار شکست
ز ترس جان
قد بهم ناتوانی من.

صفای چشمه * صبح بهار را دارد
چومرد گریه کند از غم مقدس عشق
چومرد گریه کند گوشه ای بیاد وطن
چومرد گریه کند مثل شمع نوافغان
ز شوق شادی انسان و در غم انسان.

XXXXXXXXXXXXXX

واله

۱۹۸۸